**( 326 )**

**هو الله**

یا نعیم عبدالبهآء همواره در قلب حاضری و در خاطری از یادت فراغتی نه و از ذکرت فراموشی نیست زیرا مؤمنی و سالک موقنی و مهربان ثابتی و نابت مطیعی و منقاد منجذب جمال ابهائی و متوجه بطلعت اعلی ناطقی بثنآء و مبلغی بین الوری حضرت صدر الصدور روحی لرمسه الفداء تأسیس درس تبلیغ نمودند و بنهایت همت سعی بلیغ فرمودند و در این گلشن الهی نهالهای تازه پرورش دادند و لطافت و طراوت بی‌اندازه بخشیدند مرغان صامت را ناطق کردند و طفلان بیخبر را مبشر بجمال جلیل اکبر فرمودند این تأسیس تسلسل یابد و این انوار بر قرون و اعصار بتابد حال آن روح پاک بملکوت ابهی عروج نمود و آن ورقآء بایکهء بقا طیران کرد و آن پروانه بحول سراج ملأ اعلی پرواز نمود لهذا محلش در ملأ ادنی خالی ماند عبدالبهآء را آرزو و مقصد چنان که این تاج را بر سر تو گذارد تا در محل آن بزرگوار نوجوانانرا درس تبلیغ دهی و حجت و برهان بیاموزی و دلیل و آیات و اخبار بنمائی نورسیدگان ملکوت ابهی را تربیت کنی و بفیض ملأ اعلی نشو و نما بخشی تا این تعزیت منتهی شود و تهنیت جدید جلوه نماید و سبب تسلی قلب عبدالبهآء گردد زیرا از مصیبت حضرت صدر الصدور بعد از مصیبت کبری بسیار متأثر شدم و این درد را درمانی و این زخم را مرهمی جز آن نه که ملاحظه شود که جای آن بزرگوار شخصی استوار یافته و بنفحه مشکبار مشامها را معطر مینماید و این را بدان که هر نفسی پی آن روح مجرد گیرد و بتعلیم و تدریس پردازد تأییدات متتابعا و متوالیا در رسد حتی خود او حیران ماند و علیک البهآء الابهی (ع ع)